



اصول فقه ۴ (حلقه ثالثه)

درس ۲۶

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: مصطفی ده باشی

مقدمه

با فرض این که یقین به حدوث، رکن استصحاب باشد، در جایی که حدوث با یقین ثابت نشده باشد بلکه اماره بر ثبوت وجود داشته باشد، آیا استصحاب جاری می شود یا خیر؟ این اشکال، محققون را به تلاش در جهت پاسخ به آن وادار نمود. پاسخ های محقق نائینی و محقق خراسانی به صورت مفصل مطرح گردید که هر کدام با اعتراض و ایراداتی مواجه بودند. در این درس، پاسخ سوم به اشکال فوق بیان می گردد که یقین با این عنوان که حجت است رکن استصحاب شمرده می شود. شهید صدر به وجه افتراق این پاسخ بل پاسخ های گذشته اشاره می کند و یک ایراد نیز به پاسخ سوم وارد می نماید. بنابراین از نظر شهید صدر هیچ کدام از پاسخ های مطرح شده، مقبول نیست و دارای خدشه می باشند. مصرف برای حل مشکل، به طرح نظریه خود اقدام می کند که در این درس، مقدمه این نظریه بیان می گردد. وی اماره بر حدوث یک شیء را به دو قسم و شک در بقاء آن شیء را نیز به دو قسم تقسیم می کند. سپس تطبیق صورت های چهارگانه را همراه با مثال، توضیح می دهد.

از آن جا که مطالب این درس با محتوای سه درس گذشته ارتباط دارد، مراجعه و فهم آن ها تأثیر بسزایی در فهم درس حاضر خواهد داشت.

متن درس

[و قد نشأت مشكلة من افتراض ركنية اليقين بالحدوث ... و قد أفيد في جواب هذه المشكلة عدة وجوه: ...]

الوجه الثالث: انّ اليقين و إن كان ركناً للإستصحاب بمقتضى ظهور أخذه في ال موضوعي، إلّا أنّه مأخوذ بما هو حجة، فيتحقق الركن بالأمانة المعتبرة أيضاً باعتبارها حجة.

و يختلف هذا الوجه عن سابقه بالاعتراف بركنية اليقين، و عن الأول بأنّ دليل حجّة الأمانة على هذا يكون وارداً على دليل الاستصحاب، لأنّه يحقق فرداً من الحجّة حقيقة، و أمّا على الوجه الأول فدليل حجّة الأمانة حاكم لا وارد . و يرد على هذا الوجه انّ ظاهر أخذ شيء كونه بعنوان دخيلاً، فحمله على دخل عنوان جامع بينه و بين غيره يحتاج إلى قرينة. و التحقيق أن يقال: انّ الأمانة تارة تعالج شبهة موضوعي، كالأمانة الدالة على نجاسة الثوب، و أخرى شبهة حكمي، كالأمانة الدالة على نجاسة الماء المتغير. و على التقديرين تارة ينشأ الشكّ في البقاء من شبهة موضوعي، كما إذا شكّ في طهارة الثوب بالغسل بالماء المضاف أو ارتفاع النجاسة عند زوال التغير من قبل نفسه، فهناك إذن أربع صور.

یادآوری

اشکال: آیا اماره بر حدوث می تواند جایگزین یقین به حدوث شود و از طریق آن استصحاب را جاری نمود یا این که فقط با یقین به حدوث می توان استصحاب را جاری کرد؟ محقق نائینی، اماره را علم تعبّدی معرفی نمود و محقق خراسانی، قائل به ملازمه شرعیّه بین حدوث و بقاء در استصحاب شد.

پاسخ سوم به اشکال فوق

گروهی از محققین گفته اند که با توجه به ادله استصحاب که در آن ها واژه یقین اخذ شده است قطعاً یقین، رکن استصحاب است؛ اما یقین بما هو حجّت، نه یقین بما هو یقین. به عبارت دیگر، آنچه که رکن استصحاب محسوب می شود حجّت بر حالت سابقه است، نه یقین به حالت سابقه. بنابراین اماره هم برای جریان استصحاب مشکلی نخواهد داشت، چون اماره معتبر، حجّت است همان گونه که یقین، حجّت است. نتیجه ای که از دیدگاه این محققین حاصل می شود این است که رکن استصحاب با یقین به حدوث و اماره بر حدوث، محقق می شود، چون هر دو حجّت می باشند.

متن عربی و نکات تطبیقی

الوجه الثالث: انّ اليقين و إنّ كان ركناً للإستصحاب بمقتضى ظهور أخذه (١) فى [الأدلة] (٢) فى الموضوعية (٣) إلا أنّه مأخوذ بما هو حجة (٤)، فيتحقّق الركن بالامارة المعتبرة أيضاً باعتبارها حجة.

١. مرجع ضمير: یقین.

٢. جار و مجرور، متعلّق به اخذ.

٣. جار و مجرور، متعلّق به ظهور.

٤. نه بما هو یقین.

مقایسه سه راهکار ارائه شده درباره اشکال وارد بر رکنیت یقین

الف) تفاوت راه حلّ سوم (دیدگاه گروهی از محققین) با راه حلّ دوم (دیدگاه صاحب کفایه): صاحب کفایه «حالت سابقه» را رکن استصحاب محسوب می نمود، اما طبق راه حلّ سوم، «یقین به حالت سابقه» با عنوان «یقین بما هو حجّت» رکن است، نه با عنوان «یقین بما هو یقین».

ب) تفاوت راه حلّ سوم (گروهی از محققین) با راه حلّ اولّ (دیدگاه محقق نائینی): محقق نائینی، یقین بما هو یقین را رکن استصحاب می دانست و با حاکم دانستن دلیل حجّیت اماره بر دلیل استصحاب، اماره را یک فرد تعبّدی از یقین معرفی می نمود و از این طریق موضوع دلیل استصحاب توسعه می یابد؛ اما بر اساس راه حلّ سوم که یقین بما هو حجّت را رکن می داند دلیل حجّیت اماره وارد بر دلیل استصحاب است؛ لذا موضوع دلیل استصحاب که حجّت است حقیقتاً توسعه یافته و اماره نیز یک حجّت حقیقی و شرعی شمرده می شود. پس دلیل استصحاب، شامل اماره هم می شود.

متن عربی و نکات تطبیقی

و یختلف هذا الوجه عن سابقه (۱) بالاعتراف برکنیة یقین، و عن الأول (۲) بأنّ دلیل حجّیة الأمانة علی هذا (۳) یكون وارداً علی دلیل الاستصحاب، لأنّه (۴) یحقّق فرداً من الحجّة (۵) حقيقة (۶)، و أمّا علی الوجه الأول فدلّیل حجّیة الأمانة حاکم لا وارد.

۱. یعنی: وجه دوم.
۲. عطف بر عن سابقه.
۳. یعنی: وجه سوم.
۴. مرجع ضمیر: دلیل حجّیت اماره.
۵. که موضوع دلیل استصحاب است.
۶. قید یحقّق.

اشکال شهید صدر به راه حلّ سوم

هرگاه یک شیء در دلیل اخذ شود ، ظاهر این است که این شیء «بما هو هو» اخذ شده است. بنابراین در دلیل استصحاب که واژه یقین، آمده است ظاهر آن است که یقین بما هو یقین، مأخوذ است و اگر بخواهیم این شیء مأخوذ در دلیل را حمل بر یک معنای جامع بین این شیء و غیر این شیء کنیم نیازمند به قرینه هستیم؛ لذا «یقین بما هو یقین» را نمی‌توانیم حمل بر معنای «یقین بما هو حجّت» کنیم.

متن عربی و نکات تطبیقی

و یرد علی هذا الوجه أنّ ظاهر أخذ شیء (۱) کونه بعنوان دخیلاً (۲) فحمله (۳) علی دخل عنوان جامع (۴) بینة و بین غیره یحتاج إلى قرينة.

۱. مثل یقین.
۲. یعنی: دخیل در حکم باشد.
۳. مرجع ضمیر: ظاهر.
۴. مثل حجّت.

Sco1: ۱۱:۱۴

راه حلّ اشکال وارد بر رکنیت یقین (ادامه مباحث)

سه راه حلّ ارائه شده برای پاسخ به اشکال بر رکنیت یقین، از نظر شهید صدر مخدوش هستند و توان حلّ مشکل را ندارند. اکنون خود ایشان در مقام پاسخ برمی آیند.

راه حلّ شهید صدر

اماره‌ای که برحدوث یک شیء دلالت می‌کند، گاهی معالج شبهه موضوعی است و گاهی معالج شبهه حکمی است و منشأ شک در بقاء این شیء یا شبهه موضوعی است و یا شبهه حکمی. تطبیق این صورت‌ها بر مثال:

الف) در صورتی که اماره، معالج شبهه موضوعی باشد؛ مثل اینکه اماره بر نجاست لباس دلالت کند. شک در بقاء نجاست این لباس گاهی ناشی از شبهه موضوعی است، مثل این که شک می‌کنیم آیا این لباس را شسته‌ایم و تطهیر یافته و یا این که شسته نشده و هم‌چنان نجس است و گاهی نیز شک در بقاء نجاست این لباس ناشی از شبهه حکمی است، مثل این که شسته شدن لباس با آب مضاف را می‌دانیم اما در حکم آن شک وجود دارد که آیا شستن با آب مضاف سبب تطهیر لباس می‌شود یا خیر؟

ب) در صورتی که اماره، معالج شبهه حکمی باشد؛ مثل این که اماره بگوید هر آبی که متغی به نجس باشد منتجس است. شک در بقاء نجاست آب متغی گاهی ناشی از شبهه موضوعی است؛ یعنی حکم پاک بودن آب بعد از زوال تغیی را می‌دانیم اما نمی‌دانیم که در عالم خارج، تغیی وجود دارد یا زائل شده است! گاهی نیز شک در بقاء نجاست آب متغی، ناشی از شبهه حکمی است؛ مثل این که نمی‌دانیم بعد از زوال تغیی آیا آب پاک است یا خیر! یعنی شک در طهارت آب متغی بعد از زوال تغیی داریم.

متن عربی و نکات تطبیقی

و التحقيق أن يقال : إن الأمانة تارة تعالج شبهة موضوعية، كالأمانة الدالة على نجاسة الثوب، و أخرى شبهة حكمية، كالأمانة الدالة على نجاسة الماء المتغير . و على التقديرين (١) تارة ينشأ الشك في البقاء من شبهة موضوعية، كما إذا شك في طهارة الثوب بالغسل بالماء المضاف أو ارتفاع النجاسة عند زوال التغير من قبل نفسه (٢) (٣)، فهناك إذن أربع صور.

١. یعنی: اماره، معالج شبهه موضوعی باشد علی معالج شبهه حکمی باشد.

٢ و ٣. مرجع ضمیر: ماء؛ یعنی خود به خود تغیی آب زائل شود، نه این که عامل خارجی سبب زائل شدن تغیی شود.

Sco2: ٢١: ٢٣

چکیده

۱. گروهی از محققین، «یقین بما هو حجّ ت» را رکن استصحاب می دانند، نه «یقین بما هو یقین». بنابراین اماره معتبر هم برای جریان استصحاب با مشکلی مواجه نخواهد بود، چون حجّ ت شرعی است.
۲. تفاوت دیدگاه فوق با دیدگاه صاحب کفایه که حالت سابقه را رکن می دانست در این است که محققین، یقین به حالت سابقه با عنوان حجّ ت بودن را رکن می دانند.
۳. تفاوت دیدگاه محققین با مرحوم نائینی در این است که بر اساس نظر گروه اول، دلیل حجّیت اماره وارد بر دلیل استصحاب است، اما طبق نظر محقق نائینی حاکم است.
۴. ایراد شهید صدر بر دیدگاه گروهی از محققین این است که حمل شیء مأخوذ در یک دلیل بر م عنای جامع، نیازمند قرینه است.
۵. اماره‌ای که دلالت بر حدوث یکی شیء می کند یا معالج شبهه موضوعی است و یا معالج شبهه حکمی و شک در بقاء آن شیء حادث شده هم یا ناشی از شبهه موضوعی است یا ناشی از شبهه حکمی است.